



اسطوره‌ی سوفیا



نشر پیله

الهيات فمينيستى

تجلی زنانه‌ی حکمت الهی

نوشته‌ی

مریم السادات سیاهپوش

با مقدمه‌ی دکتر لیلا هوشنگی

اسطوره‌ی سوفیا

تجلی زنانه‌ی حکمت الهی

نوشته‌ی

مریم السادات سیاهپوش

با مقدمه‌ی

دکتر لیلا هوشنگی

(الهیات فمینیستی)

سرشناسه	سیاهپوش، مریم السادات، ۱۳۷۱-
عنوان و نام پدیدآور	اسطوره‌ی سوفیا (تجلی زنانه‌ی حکمت الهی) / نوشته‌ی مریم السادات سیاهپوش؛ با مقدمه‌ی لیلا هوشنگی.
مشخصات نشر	تهران: نشر پیله، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۵۲ ص. ۵/۲۱×۵/۱۴، ۵/س.م.
فروست	الهیات فمینیستی.
شابک	978-622-7620-04-7
وضعیت فهرست نویسی	فپیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	الهیات فمینیستی Feminist theology
موضوع	زنان و دین Women and religion
موضوع	زنان در کتاب مقدس Women in the Bible
موضوع	گنوستیسیسم Gnosticism
موضوع	فرزانگی (گنوستیسیسم) (Wisdom Gnosticism)
شناسه افزوده	هوشنگی، لیلا، ۱۳۴۹-، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	BT۸۳/۵۵
رده بندی دیویی	۲۳۰/۰۸۲
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۲۱۹۱۰

اسطوره‌ی سوفیا (تجلی زنانه‌ی حکمت الهی)

نویسنده: مریم السادات سیاهپوش

با مقدمه‌ی: دکتر لیلا هوشنگی

ناشر: پیله

نوبت و سال نشر: اول ۱۴۰۰

ناظر چاپ: مهدی سبحانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نقش‌آور

صفحه‌آرا: قاسمی (رها)

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۲۰-۰۴-۷



آدرس دفتر نشر: مقابل دانشگاه تهران خیابان لبافی‌نژاد، شماره ۲۱۶ طبقه ۱

تلفن: ۶۶۹۵۰۸۷۱-۶۶۴۸۱۶۴۱-۶۶۴۸۱۶۲۵۹-۳۸۷۶۲۵۹-۰۹۱۲



مرکز پخش: خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ ژاندارمری غربی، پلاک ۹۵، پخش کتاب آثار

تلفن دفتر پخش: ۶۶۴۶۰۲۳۳-۶۶۴۶۲۲۹۱-۶۶۴۶۰۲۳۳-۰۲۱

هرگونه نقل، استفاده و اجرای تمام یا بخشی از این کتاب منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

تقدیم به پدر و مادرم که همچون پدر بزرگی و مادر
روشنایی، روح من را در پله روما پروراندند.

و

تقدیم به دکتر لیلیا هوشنگی که چشمانم را به نگرشی
تازه گشود و صبورانه من را در این مسیر گام به گام
راهنمایی کرد.

فهرست

فصل اول: کاربرد الهیات فمینیستی در فمینیسم دینی ۱۹

۱. تاریخ شکل‌گیری و پیشرفت الهیات فمینیستی ۲۰

۲. روش و محورهای گفتمان فمینیسم دینی ۲۵

۳. جسمانیت زنانه ۲۹

۴. اهمیت فرهنگ و تجربیات زنانه در الهیات فمینیستی ۳۱

۵. نقش زبان و ادبیات دینی در الهیات فمینیستی ۳۶

فصل دوم: سوفیا؛ حکمت زنانه‌ی الهی در یهودیت و مسیحیت ۳۹

۱- گنوسیسم ۴۰

۲- آیین گنوسی و مسیحیت ۴۴

۳- جنسیت خدا در دین یهودیت و مسیحیت ۴۸

۴- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی در دین یهود ۵۱

۴-۱- حخما؛ حکمت الهی در کتاب مقدس ۵۲

۴-۲- سوفیا؛ حکمت الهی در دوران یونانی‌مآبی ۵۴

۴-۳- شخینا؛ حکمت الهی در مقام یک سفیرا در عرفان قبالا ۵۶

۵- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی در مسیحیت گنوسی ۶۱

۵-۱- شمعون مغ ۶۴

۵-۲- والتینوس ۶۶

۵-۳- بازلید ۶۹

۵-۴- آپوکریفای یوحنا ۷۲

- ۵-۵- پیس تیس سوفیا ۷۵
- ۵-۶- حکمت عیسی مسیح ۷۶
- ۵-۷- اعمال توماس ۷۹
- ۵-۸- آپوکالیپس اول جیمز ۸۰
- ۵-۹- انجیل یهودا ۸۲
- فصل سوم: سوفیا و مباحث مربوط به آن** ۸۵
- ۱- جایگاه سوفیا در الهیات فمینیستی ۸۵
- ۲- سوفیا و مریم مجدلیه ۹۲
- ۲-۱- مریم مجدلیه کیست؟ ۹۲
- ۲-۲- مریم مجدلیه؛ جلوه‌ی زمینی سوفیا ۹۹
- ۳- مسیح شناسی در اسطوره‌ی سوفیا ۱۰۴
- ۴- سوفیا در اندیشه‌ی یونگ در مقام یک کهن الگو ۱۰۷
- فصل چهارم: حکمت مونث الهی در ادیان دیگر** ۱۰۹
- ۱- ادیان شرقی ۱۰۹
- ۱-۱- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی در هندوئیسم ۱۱۰
- ۱-۱-۱- واک ۱۱۰
- ۱-۱-۲- سرسوتی ۱۱۱
- ۱-۲- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی در دین بودایی ۱۱۳
- ۱-۲-۱- جایگاه پراجناپارامیتا در مکتب مهاییانه ۱۱۵
- ۱-۲-۲- جایگاه پراجناپارامیتا در مکتب وجره‌یانه ۱۱۸
- ۲- ادیان غربی ۱۲۲
- ۲-۱- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی در دین زرتشتی ۱۲۲
- ۲-۱-۱- ثنویت ایرانی ۱۲۲
- ۲-۱-۳- سه ایزدانوی دارای پیوند با حکمت الهی ۱۲۶
- ۲-۱-۳-۱- دثنا ۱۲۶
- ۲-۱-۳-۲- سپندارمذ آرمایتی ۱۲۷

۱۲۹	 چستا ۳-۱-۲-۲
۱۳۰	 ۲-۲- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی دردین مندائی
۱۳۲	 ۲-۲-۱- سه نقش حکمت
۱۳۴	 ۳-۲- تجسم زنانه‌ی حکمت الهی دردین مانوی
۱۳۷	 ۱-۳-۲- مریم مجدلیه در زیور مانوی
۱۳۸	 ۱-۱-۳-۲- مریم مجدلیه؛ پیامبری با روح خرد
۱۳۹	 ۲-۱-۳-۲- مریم مجدلیه؛ توانداز مورد اعتماد عیسی
۱۴۰	 ۴-۱-۳-۲- مریم مجدلیه؛ الگویی برای جذب زنان مانوی
۱۴۳	 منابع

مقدمه لیلا هوشنگی

.....

در حوزه‌های مختلف مربوط به مطالعات مسیحی، تاریخ صدر مسیحیت و مطالعه‌ی آن در مقام دوره‌ی شکل‌گیری و تاسیس از اهمیت‌ی خاص برخوردار است. در این میان اثر کلاسیک رودلف بولتمان با نام مسیحیت / اولیه^۱ عملاً سیرمباحث را در باب این برهه تاریخی دگرگون ساخت. این متاله برجسته‌ی آلمانی با تجزیه و تحلیل عناصر یهودی و مولفه‌های فرهنگ یونانی مآبی نشان داد چگونه مسیحیت در سده‌های نخست با وام‌گیری از دو دین و فرهنگ یهودی و هلنیستی، و سپس ترکیب و امتزاج عناصر آنها مراحل اولیه را طی کرده است. این تاثیر در قالب تفاسیری مختلف بود که از سوی افراد و گروه‌ها و فرقه‌های گوناگون مطرح شده و آموزه‌های مسیحی را به مرور شکل بخشیده است.

در این میان، جایگاه برخی جریان‌ها، مانند مسیحیان غیریهودی^۲ برجسته شد و نیز به مکاتب گنوسی^۳ که برخی پیروان آنها به تعالیم مسیحی روی آورده بودند، توجه ویژه شد. این جریان‌ها در آن دوران اولیه در شکل-دهی و رشد و گسترش تفاسیر خاصی از مسیحیت نقشی بسیار مهم را بر

1. Primitive Christianity

2. Gentiles

3. Gnosticism

عهده داشته‌اند که از دید کلیسا و مورخان رسمی آن نادیده گرفته شده بود. از جمله مهمترین مکاتب گنوسی (ضبط عربی آن غنوصیه)، مانویت است که درباره آن بحث‌ها بسیار مفصل است و البته پراز مناقشات که چه نحوه نسبتی میان تعالیم مانوی و مسیحی وجود داشته و اینها چه تعاملی با هم می‌توانستند داشته باشند.

بدین سان، مطالعه‌ی مکاتب گنوسی و نتایج حاصل از این تحقیقات به مرور بسیار پرنگ شد. شاید بتوان بدون اغراق مهمترین اثر در این حوزه را، اثر هانس یوناس، فیلسوف صاحب‌نظر و پرائر آلمانی (متوفی ۱۹۹۳) با نام کیش گنوسی^۱ دانست. این تک‌نگاری در بسیاری از پژوهش‌ها مورد استناد و ارجاع بوده است و این اثر اخیراً به فارسی نیز برگردانده شده است.^۲ یوناس در این کتاب به یونانی‌مآبی و فرهنگ آن، مکاتب گنوسی، مفاهیم کلیدی این مکاتب، کیهان‌شناسی و نیز نظام‌های فکری مهم گنوسی از جمله هرمسی، والتینوس و شمعون مغ و جز آنها به نحوی جامع پرداخته است.

از سوی دیگر، با ظهور و رشد علوم انسانی جدید در اوایل قرن بیستم که بحث‌های مفصلی درباره‌ی فرهنگ و تمدن بشری با نگاهی امروزمین و از چشم انسان‌شناسان دین مطرح و بسیار از آن استقبال شد، این نکته‌ی مهم رخ نمود. دین در جوامع کهن و سنتی، روح و جوهره‌ی فرهنگ است و دین نظام ارزش‌ها و معیار تشخیص درست و نادرست و باید و نبایدها را در جامعه تعیین می‌کند. در این میانه از جمله آنانی که خواهان واکاوی مجدد در متون مقدس شدند و درصدد بازخوانی این متون از نگاهی نو برآمدند زنان بودند، یعنی نیمی از جمعیت بشر. اینان طالب فهمی نواز متون مقدسی بودند که

1. The Gnostic Religion

۲. یوناس، هانس، کیش گنوسی، پیام خدای ناشناخته و صدر مسیحیت، ترجمه‌ی ماشاءالله کوچکی میدی و همید هاشمی کهندانی، قم: انتشارات ادیان و مذاهب، ۱۳۹۸.

کلمه به کلمه، جمله به جمله و سطر به سطر آن طی سده‌ها و در فرهنگ های دینی مختلف تلاش شده بود در زمینه و بستری مبتنی بر نگاه و فهم مردان نوشته و فهمیده شود. پژوهشگران در الهیات زنانه نگر به خوانشی نو مبتنی بر متون مقدس معتبر دست زدند و در نتیجه به تجلی جلوه‌های زنانه در الوهیت و صفات الوهی و شاید از همه بیشتر در «حکمت الهی» پی بردند. شاهدیم در کتاب امثال عهد عتیق (۷: ۱-۹) حکمت در قالب یک زن تجسد یافته است، به شکل مادری تلخ و تند مزاج تصویر شده که ردای آسمانی بر تن و در کوچه و خیابان‌ها اعلام خطر می‌کند (چنان که هم اکنون در این شرایط بلاخیز و پر رنج کروناپی گویی او را به چشم دل می‌بینیم که در کوی و برزن سرآسیمه سرگردان است). این‌ها همه به برجسته شدن عنصر زنانه در آفرینش و قدرت داشتن وی بر خلق کردن، نیز تاکید بر مادرانگی و مهر و محبت فراگیری که رکن اصلی تداوم حیات انجامید.

این‌گونه بازیابی عناصر مونث در دهه‌ی ۷۰ میلادی، در قالب حوزه‌ی مطالعاتی با عنوان «سوفیاپژوهی» تعریف شده و استمرار یافت، زیرا «سوفیا» و اسطوره‌های قابل تطبیق با این ایزدبانورا می‌توان در سنت‌های دینی متعددی همچون دین هندوئی، بودائی، زرتشتی و مانوی پی گرفت. باری، با تمرکز بر سنتی ناشناخته یعنی مکاتب گنوسی و مکتوبات آنان و تفسیر بزرگان آنها وجهی مغفول را واز دیده به دور کشف شد و آنچه پیش روست حاصل تلاش مولف برای نمایاندن این مهم است.

حال با دسترس بودن این منابع کهن، درنگاهی نو مولف کتاب حاضر کوشیده است تا با روشی علمی به واکاوی آثار این بزرگان مکاتب گنوسی و عناصر زنانه آن پردازد. در این زنانه‌نگری به نقش اجتماعی زنان توجه ویژه شده است، همچنین تاثیر و تاثر دو سویه این مکتوبات و متفکران گنوسی بر جایگاه زنان و نیز حضور موثر زنان بر گسترش این مکاتب پی گرفته شده

است. از این جهت، این کتاب اثری مغتنم است و ارزشمند برای نشان دادن این که در سده‌های نخست میلادی و شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن دوره چگونه می‌توان نقش زنان را در الهیات و تاریخ اجتماعی از نو بازخوانی کرد.

لیلا هوشنگی

بهار ۱۴۰۰

مقدمه نویسنده

در سده‌های نخست شکل‌گیری و گسترش الهیات مسیحی، اسطوره‌پردازی در خصوص شخصیت زنانه‌ی الهی به نام سوفیا مورد توجه برخی از متفکران آن جامعه قرار گرفت و آنها اقدام به ارائه‌ی دیدگاه‌های خود در این زمینه کرده و به بازخوانی الهیات مسیحی با توجه به این اسطوره که اساس ریشه‌ای گنوسی دارد پرداختند. به نظر می‌رسد، مسئله‌ی وجود شرور و رنج بشر، بیش از هر موضوع دیگری توجه این افراد را به خود جلب کرده باشد. از آنجایی که ایشان نمی‌توانستند حکمت الهی را با وجود شرور در جهان جمع ببینند، ناچار حکمت را همچون یک شخصیت الهی از خدا تمایز بخشیده و جدایی این دو را سبب بروز ناآرامی و بی‌نظمی در جهان بیان کردند.

البته باید توجه داشت که این اسطوره‌پردازی به سرعت از سوی کلیسای رسمی محکوم شد و هیچگاه به طور جدی وارد بدنه‌ی اصلی الهیات مسیحی نگشت. در واقع، این اسطوره تنها از سوی مکاتب گنوسی مسیحی مورد توجه قرار گرفت و آباء کلیسا به شدت نسبت به این آموزگاران گنوسی موضع گرفته و ردیه‌هایی را برای مقابله با دیدگاه آنها نگاشتند. با این حال، همواره برخی از اندیشمندان به این اسطوره علاقه نشان داده و در جهت تفسیر آن با توجه به سنت مسیحی کوشش کردند. در دهه‌های اخیر نیز این اسطوره توجه متفکران و الهیدانان مسیحی فمینیست را به خود جلب نمود و

ایشان در صدد احیای جایگاه زنان با توجه به این اسطوره برآمدند.

نکته‌ی جالب توجه در خصوص سوفیا پژوهی آنجاست که نمونه‌های مشابه این شخصیت اسطوره‌ای را می‌توان در خداشناسی برخی ادیان دیگر نیز یافت. حکمت الهی در قالب شخصیتی زنانه، در سنت یهودی، بودایی، هندوئی، زرتشتی، مندائی و مانوی قابل ملاحظه است. این موضوع، نه تنها امکان بررسی تطبیقی را برای علاقمندان به مباحث دین پژوهی فراهم می‌آورد، بلکه فرصتی را برای پژوهشگران حوزه‌ی الهیات فمینیستی ایجاد می‌کند.

با این حال، اشاره به این مسئله ضروری است که حکمت زنانه‌ی الهی در برخی ادیان اساساً مطرح نشده است. برای مثال با اینکه باور به ایزدان متعدد در الهیات دین شینتو مشهود است، اما حکمت در قالب شخصیتی مردانه مطرح می‌شود. همچنین، در برخی ادیان مانند کنفوسیوس، حکمت اساساً یک امر انتزاعی تلقی شده و هیچگاه شکل شخصیتی الهی، چه زنانه و چه مردانه، را به خود نگرفته است. در اسلام نیز نمی‌توان نشانی از شخصیت زنانه الهی حکمت یافت و قرآن حکمت را دارای شخصیتی مجزا از الوهیت ندانسته است. بنابراین، هرآنچه در این کتاب درباره‌ی دین یا کتاب‌های مقدس مطرح می‌شود، شامل دین اسلام و کتاب قرآن نمی‌شود.

در کتاب پیش‌رو، ابتدا کوشش شده است که در فصل اول مختصری از پیشینه، روش و مباحث الهیات فمینیستی بیان شود و اهمیت پژوهش درباره‌ی این اسطوره در زمینه‌ی الهیات فمینیستی نمایان گردد. در فصل دوم، پس از بررسی پیشینه‌ی باور به حکمت زنانه الهی در سنت یهودی و تاثیرگذاری تفکر گنوسی بر این باور، اسطوره‌ی سوفیا در مکاتب گنوسی مسیحی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. فصل سوم، به مباحثی که پیرامون این اسطوره قابل طرح هستند پرداخته می‌شود که این مباحث عبارتند از: جایگاه

سوفیا در الهیات فمینیستی، سوفیا و مریم مجدلیه، سوفیا در اندیشه‌ی یونگ در مقام یک کهن‌الگو. در فصل پایانی نمونه‌های مشابه شخصیت الهی سوفیا در برخی ادیان دیگر به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در انتها، از اساتید بزرگوار گروه ادیان و عرفان در دانشگاه‌های الزهرا (س) و علوم و تحقیقات که در مقاطع مختلف و در مسیر دانش‌آموزی به پرورش علمی اینجانب پرداختند، بسیار سپاسگزارم. به ویژه لطف و زحمات استاد مهربان و دلسوزم خانم دکتر لیلیا هوشنگی که بنده از راهنمایی‌های ایشان پیوسته بهره برده‌ام را بی‌نهایت ارج می‌نهم چرا که از شروع این پژوهش تاکنون با همراهی علمی و روشمند ایشان همواره دلگرم بوده‌ام. ایشان چه در مقام استاد راهنما در دوره‌ی کارشناسی ارشد و چه پس از آن و هنگام نگارش مقالات، هیچگاه از راهنمایی‌های راهگشا دریغ نمی‌کرده‌اند. در نهایت، از پدر و مادر عزیزم که از لحاظ روحی و در شرایط دشوار به حمایت و پشتیبانی از من پرداخته و با مشورت‌های صمیمانه‌ی خود در این مسیر مشوق من بوده‌اند، بسیار سپاسگزارم.

مریم السادات سیاهپوش